

روایت «حدیث پویان مهر» از «احمد محمود بیرون از انزوا» در اهواز



شهرهای مختلف، شروعی برای کسب تجربه برای برگزاری نمایشگاه‌های انفرادی وی بوده است.

حدیث پویان‌مهر در سال ۱۳۹۷ اولین نمایشگاه انفرادی خود را با نام «سخن» (شامل جملات استاد محمود دولت آبادی) در دو شهر تهران و اهواز که اولین نمایشگاه خوشنویسی قطعات نثر ادبی در ایران بود را با حمایت و حضور محمود دولت آبادی برگزار کرد.

محمود دولت آبادی در تاریخ سوم دی ماه یک‌هزار و چهارصد و دو در پیامی برای افتتاحیه نمایشگاه «احمد محمود بیرون از انزوا» نوشت: «محمود نه فقط نویسنده‌ای خوب و منحصر به فرد بود و هست تا ادبیات ایران پایدار باشد، بلکه احمد انسانی درست و شریف بود. وقتی همسایه‌ها را در نخستین دور انتشار خواندم بی‌اختیار نوشتم «خجسته باد خلق و نشر همسایه‌ها» و هنوز احمد را به چهره نمی‌شناختم و مشتاق دیدارش شدم که به یاد نمی‌آورم چه ساعت و روزی رخ داد که خود رخداد خجسته‌ای بود و من از برکت دوستی بی‌دریغ احمد برخوردار شدم و بخشی از رفیقانه‌ترین دوره‌ی عمر در سخت‌ترین شرایط روزگار گذر کرد با وجود احمد و دوست بزرگوار دیگر دکتر یونسی بانه که در پاسداشتش گفته و نوشته‌ام. در دوستی ما احترام و تفاهم تجربه‌ای خاص بود با کار و کنش هرکدام در پهنه‌ی

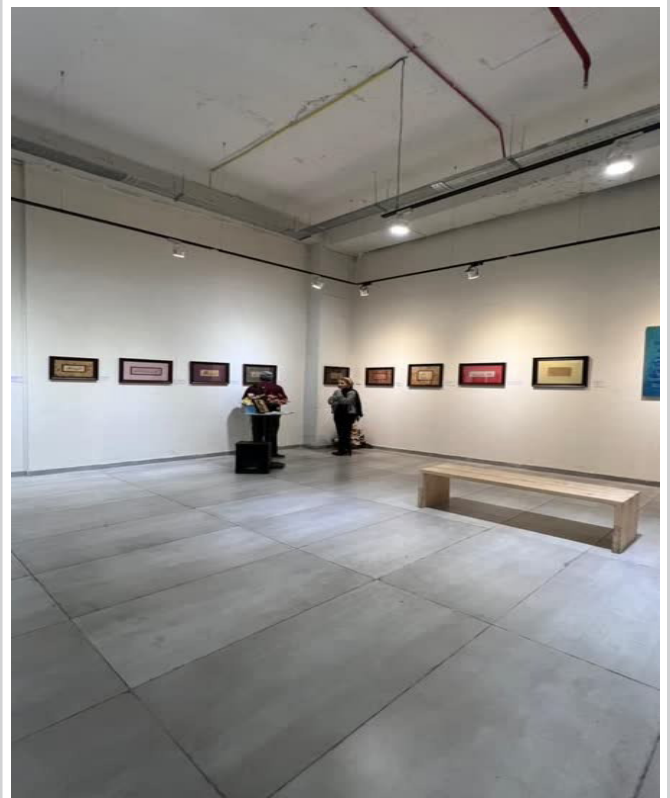


***مجتبی گهستونی

«احمد محمود بیرون از انزوا» عنوان نمایشگاهی است که در زادروز زنده‌یاد «احمد محمود» نویسنده شهیر خوزستانی برپا شده است.

نمایشگاه «احمد محمود بیرون از انزوا»، به پاس تجلیل و بزرگداشت این نویسنده بزرگ خوزستانی، با آثاری از «حدیث پویان‌مهر» به همراه ده قطعه تابلو خوشنویسی از جملات ایشان و شش تابلو نقاشی خط در محل شهر کتاب اهواز برگزار شده است.

عنوان «احمد محمود بیرون از انزوا» توسط



شد و احمد رفت سوی خموشی با همان روی خوش که داشت و بی‌هیچ واژه‌ای از آنچه به یقین می‌دانست در پیش است، بعد از آن سیامک گفت: «سی و چهار دقیقه داداش، بابا سی و چهار دقیقه باشما حرف زد، رو ساعت زمان گرفته بودم» باری... احمد: «خانه روشن» کرده بود.

روزهای دیگر رفتم دیدنش، دیگر به هوش نبود. باز سیامک گفت: «اون آخرین حرف‌هایش بود داداش» و من به زبان نیلوردم ای کاش می‌شد سخنانی آنقدر شمرده و بی‌التهاب در آستانه‌ی عدم یک جوری ضبط شده بود، اما دیگر اثری جز تأثر و تأسّف نمی‌داشت، در آن ایام هنوز گوشی‌های چندین کاره نبود و چه دانسته می‌شد همچو اتفاقی می‌افتد تا دستگاه ضبط صدا همراه آورده شده باشد؟

دیدنش در اتاقی که تمام اعضای خانواده پیرامونش حلقه زده بودند و چه خوب که رسیدم و دستش را به دست‌ها گرفتم و احمد مهربان و شمرده شروع به سخن کرد و در مسیر گفتار پیوسته و خوشایندش شنیدم که «اون وقت تو رو یافتم» که بریدم رشته‌ی خوشاهنگ بیان را و پیشدستانه گفتم «من تو را جستم و یافتم احمدجان!» و آن لبخند شیرین کنار لب‌ها با طنز خوشایندی در لحن ادامه داد به سخن و در پایان مثل یک شوخی خانوادگی در هوشیاری دقیق گفت- پرسید: «ولش کنم؟!» و من بر خاستم از کنار تخت تا او راحت‌تر باشد اگر چه خود را جزیی از خانواده می‌دانستم. حالا کنار سیامک و بابک و سارک ایستاده بودم که سکوت فراگیر

ادبیات که عملاً ممنوع می‌نمود. لیکن همان دوستانگی ما را می‌داشت تا بتوانیم ایستاده بمانیم در خاطر هر یک. صمیمیت و یگانگی یگانه مفهوم بی‌کلام می‌بود و بود تا رسید به ورطه‌ی انهدام نویسندگان و دچاری‌های همراه و پسایند آن. بنابراین تا زمین سوخته‌ی احمد نوشته می‌شد با وی بودم، در هنگام نوشته شدن درخت انجیر معابد، دیگر گسست زمانه رسید و دوره‌ی بیماری و بستری شدن احمد شاملو و هوشنگ گلشیری در بیمارستان که شنیدم احمد محمود هم ناخوش احوال است و سرآسیمه دویدم منزل و دیدار تازه شد. خیلی بد حال نبود، برگشتم و... نوبت بعدی گفته شد احمد بستریست در بیمارستان. دویدم یک شاخه گل به دست رفتم به



آنچه این جا باید قید کنم این که احمد محمود با چهره‌ی باز مرگ را پذیرفت، چنانچه زندگی را پذیرفته بود در سایه‌ی عزت و قناعت در کمال جوانمردی. در این میان اما دکتر یونسی بانه کجا بود؟ بعد مدهوشی احمد، یونسی را آن جا ندیدم، اما پیش تا احمد به کما رود، ابراهیم یونسی را می‌توانستی ببینی نشسته بر یک صندلی دو بازوی کنار در بیمارستان و به دنیا نگاه می‌کند!

این هم قصه‌ی ما بود که گذرانیدیم روزگار را با طنز و به جد، غمگانه و پرصبری، عمده این که تا دمی دیگر که باشم آن دوستی - رفیقی‌ها را در خود دارم و گمان مدار کسری از آن را از یاد ببرم! و چه خوب که حدیث پویان‌مهر خوشنویس به صرافت افتاده است یاد آن گرمای نویسنده را، به سهم و توان خود، زنده بدارد.



استاد محمود دولت آبادی یار دیرینه احمد محمود برای این نمایشگاه انتخاب شده است، به همین دلیل بیانه‌ای هم برای افتتاحیه نمایشگاه صادر کرده که در پایان منتشر می‌کنم.

اما ابتدا کمی با حدیث پویان‌مهر خالق این نمایشگاه آشنا شوید. حدیث پویان‌مهر متولد ۱۳۶۰ اهواز و دارای کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی گردشگری است، که سال‌ها در حیطه تدریس دروس گردشگری و مدیریت جهانگیری در دانشگاه و آموزشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری فعالیت داشته است. فعالیت وی در زمینه هنری از کودکی به عنوان یک استعداد ویژه در مجامع مختلف مشهود بود. شروع فعالیت هنری حرفه‌ای در زمینه خوشنویسی از سال ۱۳۹۲ بوده است که شرکت در نمایشگاه‌های مختلف گروهی در شهر تهران و